

مدافعان پوشش عیفانه

گفت و گو با شماری از کاسبان مشهدی که برای ترویج حجاب، قدم هایی برداشته اند

گزارش روز

روزنامه نگار

فرزانه شهیدمان

مردم عادی اند؛ صاف، ساده و زلال. هر کدام برای خود گرفتاری هایی دارند، اما نسبت به آنچه در اطرافشان می گذرد، در لاکبی متفاوتی فرو نرفته اند. از اوضاع فرهنگی جامعه و پوشش های نامتعارف گله دارند؛ با این حال توپ را کاملاً در زمین مسئولان نمی اندازند؛ برای خود نقش قائل اند و بناندارند به نفع فرو ریزختن مرزهای عفت عمومی، کنار بکشند. کسبه ای که از نزدیک با آن ها هم کلام می شویم هر چند دغدغه دخل و خرچشان را دارند، تأکید می کنند چیزهایی مهم تر از درآمد هم هست؛ به همین دلیل برای ترویج حجاب، گام هایی هر چند کوتاه برداشته اند؛ فارغ از اینکه چه تأثیری روی کسب و کارشان می گذارد و با چه واکنش هایی مواجه می شوند، می گویند برای کار فرهنگی، آموزش ندیده و اندواید عای بی نقص بودن ندارند. دفاع از حجاب به عنوان یک باید عقلانی و واجب الهی، تمام چیزی است که به دنیالش هستند. تعدادشان خیلی زیاد است ورسته های کاری شان متفاوت؛ از آتلیه گرفته تا قنادی، فروش زیورآلات، رستوران، کفش فروشی، آرایشگاه زنانه، فروشگاه لوازم منزل و... بسنده کردن به چند گفت وگویی کوتاه با تعدادی از آن ها، انتخابی ناگزیر است.

از غیرت مردانه تا عفت زنانه



فروشگاه، با نظم کنار هم چیده شده اند. قارامان با جلجل ملک پور ساعت ۱۶ است. تا با تأخیر خودش را برساند، می شود یک بار دیگر تصویری را که روی در شیشه ای فروشگاه عطر تشریفات، واقع در بازار مولوی چسباندده است، براندازد؛ آن قدر بزرگ است که ناممکن به نظر می رسد به چشم رهگذران نیاید. تصویر از نمای پشت سر گرفته شده و خانواده ای چهارنفره را در فضایی سبز و خرم نشان می دهد. بانو چادر مشکی به سر دارد. شانه به شانه او همسرش با طفلی در آغوش ایستاده است. دخترچه چهار پنج ساله ای هم دارند که مثل مادر، چادر پوشیده و گوشه پیراهن بابا را گرفته است. فضای تصویر به ضمیمه جمله ای که با خط درشت نوشته شده است، بیامی را که باید، به مخاطب می رساند؛ «نمی دانی چه حال خوشی دارم، وقتی از چادرم غیرت تو را می فهمند.» روزی

بوی دل چسبی به مشام می رسد، معجونی است از بلک مارین، نارسیس، بلوشائل، امبريال و عطرها ی دیگر. قوطی های آلومینیومی یک کیلو گرمی در قفسه های نشده است که نتیجه این انتخاب را این طور می شنویم: زمانی که من این کار را کردم، خبری از اغتشاش های پارسال نبود. برخی مشتری هایم خانم هایی بودند که آرایش و پوشششان عیفانه نبود. با این وضع مشکل داشتم. برای امریه معروف ونهی از منکر ابزاری نداشتم، جز چهار دیواری مغازه ام. برخی ا کسبه گفتند این ها را نصب نکن، مشتری هایت ریزش می کنند، راست می گفتند. ریزش کردند، اما رویش هم داشتند. خدا هم برایم ساخته و برکت عجیبی به مالم داده است. مکث می کند و ادامه می دهد؛ جمله روی تصویر را به عمد انتخاب کردم، چون اعتقاد دارم پیش از اینکه بخواهیم خانم ها را برای انتخاب نوع پوشششان در فضای عمومی جامعه خطاب قرار دهیم، باید مردان را بابت غیرت ورزیدن به همسران و دخترانشان، مخاطب بدانیم.

« حاجی این دمیایی ها چنند؟» پیرمردی با سر و ریش سیید، کمر راست می کند و از جا بلند می شود تا قیمت اجناس دکان کوچک کفش فروشی اش را به مشتری بگوید. مغازه بی تابلوی اودر بازار هشتم، نه فقط در این ظهر زمستانی، بلکه در چند ماه اخیر کم مشتری بوده است. به نشستن روی چهارپایه پلاستیکی دعوت نمی کند و کوتاه می گوید؛ بازار همیشه در این فصل سنگین است. به دست نویسی که با خط ناز بای روی شیشه مغازه اش چسباندده است اشاره می کنیم؛ از حجاب که زینت زن است، نوشته تذرک می دهم. در این ده دوازده سال که انجام وظیفه کرده ام چند مورد بوده که جواب را با ناامیزی داده اند. خودشان نه، خانواده هایشان، سکوت می کنم و نمی گذارم بحث بالا بگیرد، خدای اش خیلی وقت ها هم رعایت می کنند و پوشششان به چیزی که خدا خواسته، نزدیک تر می شود. اصلاً بد ندیده ام. خیلی ها به خاطر عقیده ام از من خرید می کنند.»

رستورانی با قواعد ویژه

کار خانم ها و آقایان مجموعه در بخش های آشپزخانه، انبار، تأسیسات، آماده سازی و... واقعاً وجود دارید؟ چنین مجموعه ای هست در مشهد؟» مدیر رستوران بالیخند آتما ساس هایی بر ایمان می گوید که از نقاط مختلف کشور با او گرفته می شود و مضمونی تکراری دارد. گذشت شش سال از افتتاح این رستوران که کاملاً تصادفی با واقعه گوهرشاد و روز ملی عفاف و حجاب هم زمان شد، باعث نشده است که «زهراتمیز» این قبیل پرسش ها را حتی از سوی شهروندان مشهدی دریافت نکند. اودر میانه تکاپوی همکاریانش برای آماده کردن سالن ها و پذیرایی از مهمانان ظهر می گوید؛ ما اینجا میزبان خانواده ها و خانم هایی هستیم،

اما خدا را شکر اتفاق خاصی نیفتاد و همچنان با مجموعه ای حدوداً سی نفره به کارمان ادامه می دهیم و ریزی در مشتری هایمان اتفاق نیفتاده است. در کارکنان هم ریزی نداریم. یکی دو مورد از همکاران آقا به دلیل رعایت نکردن باید هایی که از قبل آموزش داده بودیم، مثل استفاده شخصی از امکاناتی که مشتری برای پذیرایی از مهمانانش آورده بود، تعدیل شدند.»

امکانات، مواد اولیه، نرخ ها و سپس وضع قواعدی که بخشی از مشتریان را از آمدن به این رستوران منصرف می کند، چرا دقیقاً؟

خانم تمیز می گوید؛ کارمان بیشتر از اینکه اقتصادی باشد، فرهنگی است. به قول همسر

شاید راه اندازی رستورانی با این شرایط توجیه اقتصادی نداشته باشد، اما توجیه اعتقادی دارد.

نه به استفاده ابزاری از بانوان

خواسته شده است شان آن را رعایت و از آرایش چهره، مو و ناخن خودداری کنند. مناتت در گفت وگو با همکاران و مشتریان «باید» دیگری است که به آن اشاره و اضافه می کند؛ برای همکاران آقا هم قواعد مشابهی وجود دارد. آن هایی که مثل سالن دارها در معرض دید مشتری هستند، اجازه نتو و خال کوبی ندارند. ادبیات نامناسب، شوخی های بیجا و عبور از حدود اخلاقی در قبال خانم های همکار یادآور ضرورت آن ها، مساوی با زدست بردن فرصت خود را در این مجموعه است و همگی آن را به خوبی می دانند.

تمرکز روی کیفیت و مشتری مداری برای جلب مشتری و وضع قواعدی که به آن اشاره می کند، به رضایتی منجر شده است که علاوه بر شلوفی فست فود، از بازخورد هایی که آقای عابدزاده

برایمان روایت می کند، می شود فهمید؛ مشتری های خارج رفته و دنیا دیده زیاد داریم. همین دیشب با یک کاپیتان کشتی صحبت می کردم که بابت حجاب بانوان مجموعه تشکر کرد. حتی خانم های بی حجاب هم به خاطر فضای حاکم و آرامش اینجا تشکر می کنند. در حالی که از میدان بار، گوجه فرنگی سفارش می دهد. اضافه می کند؛ مشتری های ما از هر طیفی هستند. هر وقت بابت حجاب به یک مشتری تذکر داده ام، نتیجه مثبت گرفته ام. البته لحن، تن صدا، شیوه استدلال و همه این ها مهم است. فضای مجموعه هم به کمکمان می آید و نتیجه اش پذیرش است؛ بدون اینکه برگه ای را روی درو یوار بچسبانیم،



« حاجی این دمیایی ها چنند؟» پیرمردی با سر و ریش سیید، کمر راست می کند و از جا بلند می شود تا قیمت اجناس دکان کوچک کفش فروشی اش را به مشتری بگوید. مغازه بی تابلوی اودر بازار هشتم، نه فقط در این ظهر زمستانی، بلکه در چند ماه اخیر کم مشتری بوده است. به نشستن روی چهارپایه پلاستیکی دعوت نمی کند و کوتاه می گوید؛ بازار همیشه در این فصل سنگین است. به دست نویسی که با خط ناز بای روی شیشه مغازه اش چسباندده است اشاره می کنیم؛ از حجاب که زینت زن است، نوشته تذرک می دهم. در این ده دوازده سال که انجام وظیفه کرده ام چند مورد بوده که جواب را با ناامیزی داده اند. خودشان نه، خانواده هایشان، سکوت می کنم و نمی گذارم بحث بالا بگیرد، خدای اش خیلی وقت ها هم رعایت می کنند و پوشششان به چیزی که خدا خواسته، نزدیک تر می شود. اصلاً بد ندیده ام. خیلی ها به خاطر عقیده ام از من خرید می کنند.»

نگاه روز

خبر یا شر؟ برای پیروزی کدام یک تلاش می کنیم؟

درون ما پر است از اما و اگر هایی که اگر به جواب منطقی نرسند، نظم منطقی زندگی و نظامات روحی و روانی ما را به هم می زنند. اگر در خود تأمل کنیم، خواهیم دید درون ما همیشه چالش و درگیری است. آنچه در جامعه می بینیم، کپی پررنگ درون ماست که در اندازه های بزرگ تر زیر کس و تکثیر می شود. واقعیت همان است که آن فرد حکیم به مرد جوان گفت؛ «درون من یک درگیری ادامه دار وجود دارد؛ جنگی هولناک بین دو موجود که مدام پنجه در صورت هم می کشند. همیشه دستان در رقه یکد پیکر است. هر لحظه می گوشتند سر همدیگر را به طاق

بکوبند. یکی شر است که در قالب خشم، حسادت، بخل، اندوه، افسوس، طمع، غرور، خود خواهی، کینه، دروغ و... خود را نشان می دهد؛ دیگری نیز خیر است. اوشادی، آرامش، عشق، امید، فروتنی، مهربانی، سخاوت، حقیقت، ایمان، مروت، مدارا، مردم داری، ایثار و فضایل اخلاقی خود را نمایان می کند.» حکیم که توجه جوان را برانگیخته دید، ادامه داد؛ «مشابه این درگیری در درون تو نیز به وجود می آید، همچنین در درون هر شخص دیگری که کفرش را بکنی هست.» به واقع زندگی ما عرصه این چالش هاست. ما در جبهه جنگی قرار داریم که از یا گرفتن تا از یا افتادنمان ادامه دارد. ماجرای جهاد اکبر که از نبرد های هولناک و پرکشتر نظامی، بزرگ تر معرفی می شود هم ناظر به همین جنگ ادامه دار و صلح ناپذیر است که بسان تنازع بقا ادامه دارد. این را که در این نبرد کدام طرف پیروز می شود، می توان در جواب حکیم به جوان خواند که وقتی پرسید کدام طرف پیروز خواهد شد، گفت؛ «جواب ساده است، هر طرفی که به او غذا می دهی و تدارک می کنی و تیغش را تیزتر می کنی، همان غالب میدان خواهد شد.» اینجا ست که باید برخوردش بلرزیم برای فردای خود. به راستی ما کدام طرف را تقویت می کنیم؟ بسیاری مان می خواهیم که خیر بر شر پیروز شود، هم در درون خود ما و هم در جامعه. اما عملکردمان خیلی وقت ها با نیت و خواست ما همراه نیست. وقتی دور آتش حسد، ازدهای طمع را گرم می کنیم، نمی توانیم انتظار داشته باشیم درخت سخاوت میوه ایثار بدهد. وقتی بخل چنان در ما بزرگ می شود که نمی توانیم یک لیوان آب به دست تشنه ای بدهیم، نمی توانیم سایه گستر شدن ایثار را در جامعه ببینیم. اگر واقعا به دنبال پیروزی خیر و جهان گیر شدن آن هستیم، باید کردار ما هم بر این اساس نظم پیدا کند و الا باید برای پیروزی شر در همه ساحت ها و تحمل خسارت های انسان سوز آن خود را مهیا کنیم. فقط با مدیریت خویشن بر اساس آموزه های دینی و اخلاقی است که می توان از مردابی چنین مهلک خود را رهاوند. جامعه هم از همین مسیر نجات پیدا می کند، راه دیگری نیست.

روی خط جامعه

قیمت شیر خشک نوزاد بر اساس مستندات تعیین شود

رئیس انجمن تولیدکنندگان شیر خشک نوزاد با بیان اینکه برای تسویه حساب مایه تفاوت نرخ ارز، هشت ماه به کارخانجات فرصت داده شود تا بتوانند از محل فروش کالا به قیمت جدید، بدهی خود را پرداخت کنند، گفت: با توجه به حجم نقدینگی مورد نیاز، حتماً خط اعتباری جدیدی به کارخانجات تخصیص داده و قیمت گذاری انواع فرآورده های شیر خشک اطفال بر اساس مدارک و مستندات روز انجام شود.

به گزارش ایسنا، هانی تحویل زاده با بیان اینکه کارخانجات داخلی شیر خشک اطفال با همه ظرفیت مشغول به کار هستند، اظهار کرد: اخیراً سازمان غذا و دارو نرخ ارز واردات مواد اولیه شیر خشک اطفال را ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام و بلافاصله بعد از این اقدام، بانک مرکزی نیز طی بخش نامه ای اعلام کرد مهلت تسویه حساب مایه تفاوت ارز ترجیحی فقط دو ماه است.

وی ادامه داد: این یعنی مواد اولیه ای که قبل از تغییر نرخ ارز در کارخانجات موجود بوده اند و محموله هایی که از قبل با نرخ ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی خریداری و هنوز از کمتر تخصیص نشده اند، مشمول تغییر نرخ می شوند و تولیدکننده مکلف است ظرف دو ماه مایه تفاوت ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی را بپردازد. به گفته تحویل زاده، فرایند تولید محصول، آزمایش های مربوط، تحویل محصول به شرکت پخش، توزیع در داروخانه ها، تسویه حساب داروخانه با شرکت پخش و نهایتاً تسویه حساب شرکت پخش با تولیدکننده در حدود هشت ماه به طول می انجامد و پرداخت مایه تفاوت ظرف دو ماه برای هیچ تولیدکننده ای میسر نیست.

عدد خبر

۱۰۰۰ زن

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده از انعقاد تفاهم نامه با بانک قرض الحسنه مهر ایران به منظور ارائه تسهیلات ارزان و کم بهره به هزار زن سرپرست خانوار خبر داد.

به گزارش ایرنا، انسیه خزعلی اظهار کرد: این تفاهم نامه در پی حمایت از زنان سرپرست خانوار امضا شده است.

بر اساس این تفاهم نامه، این تسهیلات بابت مساعدت در رفع نیازهای ضروری و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و بد سرپرست، کارجو و کارآفرین و نیز راه اندازی و توسعه مشاغل خانگی از محل تسهیلات بانک بر اساس واریزهای خیرخواهانه مشتریان در طرح همیاران مهر پرداخت می شود. سقف فردی تسهیلات ۳۰ میلیون تومان با بازپرداخت حداکثر ۳۶ ماهه و کارمزد ۴ درصد است.

۲۴۳ میلیارد تومان

صندوق ذخیره فرهنگیان از واريز ۲۴۳ میلیارد و ۹۲ میلیون تومان به حساب اعضای صندوق که از دوم مهر تا اول آبان ۱۴۰۲ به افتتاح بانزنسنگی نائل آمده اند، خبر داد.

به گزارش مهر، صندوق ذخیره فرهنگیان در گزارشی از آخرین وضعیت واریزی صندوق به حساب فرهنگیان بازنشسته عضو صندوق اعلام کرد مبلغ مذکور شامل واریزی عضو، واریزی تعهد دولت و سود ناشی از فعالیت های اقتصادی مؤسسه است که به حساب ۶هزار و ۴۴۴ نفر از فرهنگیان که عضو این صندوق بوده اند واریز شد.

۱۶ درصد

دبیر کمیسیون آموزش دیده بان شفافیت و عدالت با بیان اینکه فقط در رشته های خاصی از جمله جراحی ها، امکان دریافت زیرمیزی وجود دارد، گفت؛ وقتی در جامعه جا می افتد که پزشکان زیرمیزی بگیر هستند، فشار اجتماعی به آن ها وارد می شود و به مهاجرت تشویق می شوند.

به گزارش فارس، هامون سیطی بیان کرد، طبق بررسی ها، فقط ۱۶ درصد پزشکان کشور با توجه به رشته و تخصص خود امکان گرفتن زیرمیزی را دارند که قطعاً عمده این عزیزان چنین اقدامی نمی کنند، اما در صدا و سیما و در فضای مجازی این فرهنگ رواج یافته است که اغلب پزشکان زیرمیزی بگیر هستند، در حالی که اصلاً ۸۴ درصد پزشکان از این موقعیت برخوردار نیستند.

شهرنگار

اشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۲۱۲۷

SHAHRAANNEWS.IR

۱۳

↓

روزانه نگار

عکس تهیه شده از فضای شهرزاد